فرآیند آفرینش و ساختار اصلی

زمین تخت

از منظر روایات اسلامی و منابع معتبر علمی

(بخش تکمیلی)

📅تاریخ: ۲۴/۰۴/۱۴۰۰📅

زمان مطالعه: ۱۲۴دقیقه



📜متن: امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله در تفسیر کلام خدای عز و جل «الّذی جعل لکم الأرض فراشاً»، {همان کسی که زمین را برایتان گهواره ای ساخت} فرمود: وقتی خدای عز و جل آب را آفرید، عرشش را بر آن قرار داد، پیش از آنکه آسمان‌ها و زمین را بیافریند و این است گفته خدا عز و جل «هوالذی خلق السموات و و الأرض فی ستهٔ أیام و کان عرشه علی الماء»، {و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود.} یعنی عرشش بر آب بوده، پیش از آنکه آسمان‌ها و زمین را بیافریند؛ پس خداوند بادها را بر آب فرستاد و آب موج برآورد و دودی از آن برخاست و بر بالای کف برآمد و از آن دود هفت آسمان آفرید و از آن کف، هفت زمین، زمین را بر آب پهن کرد و آب را بر صفا نهاد و صفا را بر ماهی و ماهی را بر گاو و گاو را بر سنگی که لقمان برای پسرش ذکر کرد و گفت: «یا بنیّ أنّها إن تک مثقال حبهٔ من خردل فتکن فی صخرهٔ أو فی السموات أو فی الأرض یأت بها اللّه»، {ای پسرک من! اگر [عمل تو] هموزن دانه خردلی و در تخته سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد، خدا آن را می‌آورد.} و آن را بر خاک (ثری) نهاد و آن جا را جز خدا نمی داند. و چون خدا زمین را آفرید، آن را از زیر کعبه گسترانید و آن را بر آب پهن کرد و به همه چیز احاطه داد، و زمین بر خود بالید و گفت: همه چیز را فرا گرفتم و کیست که به من غلبه کند و چیره گردد؟ و در هر کدام از گوش‌های ماهی زنجیری بود از طلا که به عرش بسته بود، و خدا ماهی را فرمود: تا جنبید و زمین مانند کشتی طوفانی بر اهل خود چرخید و نتوانست که مانع شود و خود را نگه دارد، و ماهی بر خود بالید و گفت، من بر زمین که همه چیز را فرا گرفته بود چیره شدم و کیست که بر من غلبه یابد و چیره شود؟

و خدای عز و جل کوه‌ها را آفرید و لنگرگاه آن شدند و زمین سنگین شد و ماهی نتوانست آن را بجنباند و به حرکت درآورد. کوه‌ها به خود بالیدند و گفتند، ما بر ماهی که بر زمین چیره شده بود چیره شدیم و کیست که بر ما چیره شود؟ و خدا آهن را آفرید تا کوه‌ها را بریده و کوه نتوانست مانع شود، و آهن به خود بالید و گفت، من بر کوه که بر ماهی چیره شده بود چیره شدم، چه کسی بر من می‌تواند چیره شود؟ و خدا آتش را آفرید و آهن را نرم کرد واجزایش را از هم پاشید و جدا کرد و آهن نتوانست مانع شود، و آتش به خود بالید و گفت من بر آهن که بر کوه چیره شده بود چیره شدم و چه کسی بر من می‌تواند چیره شود؟ خدای عز و جل آب را آفرید و آتش را خاموش کرد و او نتوانست مانع شود و آب به خود بالید و گفت من بر آتش که بر آهن چیره بود چیره شدم، چه کسی می‌تواند بر من چیره شود؟ پس خدای عز و جل باد را آفرید و آن را خشک کرد و گفت من بر آبی که بر آتش چیره بود چیره شدم، چه کسی می‌تواند بر من چیره شود؟ و خدا انسان را آفرید و او بنیان بادها را از مجاری خودشان به حرکت آورد. و انسان هم به خود بالید و گفت، من بر باد که بر آب چیره بود چیره شدم، چه کسی می‌تواند بر من چیره شود؟ و خدای عز و جل ملک الموت را آفرید و جان انسان را گرفت و آن را میراند و ملک الموت به خود بالید و گفت، من بر آدمی که بر باد چیره بود چیره شدم، چه کسی می‌تواند بر من چیره شود؟ و خدای عز و جل فرمود: همانا من قهّار و بسیار غالب شونده و پر بخشش، بر تو و بر هر چیزی چیره می‌گردم و این است کلام او که «إلیه یرجع الأمر کلّه»، {همه [جمله] کارها به سوی خدا بازگردانیده می‌شود.}

📜متن: در خبر آمده که چون خدای تعالی خواست آسمان و زمین را بیافریند، گوهر سبزی آفرید. سپس آن را ذوب نمود و آب لرزانی شد، سپس از آن بخاری برآورد مانند دود و از آن آسمان را آفرید، چنانچه فرمود: «ثم استوی الی السماء و هی دخان»، {بر آسمان استوار شد و آن چون دودی بود.} و آنگاه آن را شکافت و آن را هفت آسمان ساخت، سپس از آن آب کفی برآورد و از آن زمین مکه را آفرید سپس همه زمین را از زیر کعبه گسترانید و از این رو مکه را أم القری نامیدند زیرا مایه و اصل همه زمین است. سپس از آن زمین هفت زمین برشکافت و میان هر آسمانی تا آسمانی دیگر پانصد سال راه فاصله نهاد و همین طور میان هر ارضی تا ارضی دیگر، و نیز میان این آسمان و این زمین، سپس فرشته ای از زیر عرش فرستاد تا زمین را بر شانه و گردن نهاد و دو دست را کشید تا یکی به مشرق و دیگری به مغرب رسید، سپس برای قرارگاه قدم آن فرشته، گاوی از بهشت فرستاد که چهل هزار شاخ و چهل هزار دست و پا داشت، و یاقوتی از فردوس اعلی فرستاد و میان برآمدگی پشت و گوش آن جای گرفت و دو پای آن فرشته بر برآمدگی پشت و یاقوت استوار شد و به راستی شاخ‌های آن گاو در اطراف زمین تا زیر عرش برافراشته و سوراخ بینی او به اندازه زمین و چون دم برمی آورد دریا به مد می‌آید و چون دم فرو می‌کشددریا به جزر می‌افتد. سپس برای قرارگاه دست و پای آن گاو، سنگی آفرید و همان است که خدا در سوره لقمان از آن حکایت کرده «فتکن فی صخرهٔ»، {و در سنگی باشد)، و پهنای آن سنگ، هفت برابر از هفت آسمان و هفت زمین بیشتر است، سپس یک ماهی آفرید که بدان سوگند خورده و فرموده «نون و القلم» و نون ماهی است

و خداوند فرمان داده که آن سنگ را بر پشت آن ماهی گذارند و آن ماهی در آب است و آب بر باد است و خدا باد را به قدرت خود نگه می‌دارد.

متن: در تفسیر علی بن ابراهیم آمده که «و هو الذی خلق السموات و الأرض فی ستة أیام و کان عرشه علی الماء»، {و او است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب بود.} و این در آغاز آفرینش است که پروردگار تبارک و تعالی هوا را آفرید سپس قلم را، و امر کرد که روان شود و بنگارد، گفت: پروردگارا چه بنگارم؟ فرمود: او بود، سپس تاریکی را از هوا برآورد، و روشنی را از هوا آفرید و آب را از هوا، و عرش را از هوا آفرید، و عقیم - که همان باد شدید است - را از هوا آفرید و آتش را از هوا آفرید و همه خلق را از این شش آفرید که از هوا بودند، و باد تند را بر آب مسلط کرد و بر آن زد و موج و کف بسیاری برآورد و دودش در فضا پراکنده شد، و چون وقت به آنجا رسید که می‌خواست، به کف فرمود خشک شو! خشک شد و به موج فرمود خشک شو! و خشک شد، و کف را زمین نمود و موج‌ها را کوه‌هایی لنگرگاه برای زمین. و چون آن دو را خشک ساخت، به روح و قدرت فرمود: عرشم را بر روی آسمان بسازید، و عرشش را بر آسمان ساختند، و به دود فرمود: خشک باش و خشک شد، و به او فرمود سوت بکشید و سوت کشیدند، پس به او و زمین هر دو ندا داد که: «آتیا طوعاً أو کرهاً»، {بیائید به دلخواه یا به اجبار. } گفتند آمدیم به دلخواه.

و آن‌ها را هفت آسمان ساخت در دو روز و زمین را هم مانند آن‌ها ساخت، و چون آفرینش روزی خلقش راآغاز نمود، آسمان و بهشت و فرشته‌ها را روز پنج شنبه آفرید، و زمین را یکشنبه، و جانوران بیابان و دریا را روز دوشنبه و آن دو روزی است که خدای عز و جل فرماید: «أئنّکم لتکفرون بالّذی خلق الأرض فی یومین»، {آیا شما به آن که زمین را در دو روز آفرید کافر می‌شوید؟} و درخت و گیاه زمین و جوی‌های آن و آنچه در آن هاست و جانوران گزنده را روز سه شنبه آفرید، و جانّ که پدر اجنّه است را روز شنبه، و پرنده‌ها را روز چهار شنبه، و آدم را در شش ساعت روز جمعه، و در این شش روز خدا آسمان‌ها و زمین و هر چه میان آن‌ها است را آفرید.📜

📜متن: امام رضا علیه السّلام فرمود: علت نهادن خانه خدا در نقطه مرکزی و وسط زمین این است که همان جا است که زمین از زیر آن کشیده و گسترانیده شد و هر بادی در جهان بوزد، از زیر رکن شامی حرکت می‌کند. آن نخستین بقعه وقطعه است که در زمین نهاده شده، و در وسط زمین قرار گرفته که فریضه‌ها برای اهل مشرق و مغرب عالم یکسان باشد📜

📜متن: علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد جامع کوفه بودند که مردی از اهل شام نزد ایشان آمد و عرض کرد: ای امیر المؤمنین! من در خصوص چیزهایی از شما سؤالاتی دارم. فرمود: برای آگاهی و شناخت بپرس، نه برای اذیت کردن. همه مردم خیره شدند. عرض کرد: از اولین چیزی که خداوند تعالی آن را آفرید، مرا با خبر ساز. فرمود: نور را آفرید. عرض کرد: پس آسمان‌ها از چه چیزی آفریده شدند؟ فرمود: از بخار آب. عرض کرد: پس زمین از چه چیزی آفریده شد؟ فرمود: از کف آب.

عرض کرد: پس کوه‌ها از چه چیزی آفریده شدند؟ فرمود: از امواج. عرض کرد: پس چرا مکه، اُمّ القُرَی نامیده شد؟ فرمود: زیرا زمین از زیر آن گسترده شد. از آسمان دنیا از ایشان پرسید، و عرض کرد: از چه چیزی است؟ فرمود: از موجی کف دار. سپس از طول و عرض خورشید و ماه از ایشان پرسید. فرمود: نهصد فرسخ در نهصد فرسخ. و از طول و عرض کوکب از ایشان پرسید؟ فرمود: دوازده فرسخ در دوازده فرسخ. و از رنگ و نام آسمان‌های هفت گانه از ایشان پرسید؟ فرمود: نام آسمان دنیا، رفیع است که از آب و دود است، و نام آسمان دوم، قیدوم است که به رنگ مس است، و آسمان سوم، نام آن الماروم است که به رنگ برنج است، و آسمان چهارم، نام آن ارفلون است که به رنگ نقره است، و نام آسمان پنجم، هیعون است که طلائی رنگ است، ونام آسمان ششم، عروس است، که یاقوت سبز رنگ است، و آسمان هفتم، نام آن عجماء است، و آن مرواریدی سفید رنگ است. این حدیث، طولانی است و آن چه از آن مورد نیاز بود، نقل کردیم.

متن: حضرت علیه السلام درباره این آیه: «رَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ» فرمود: (خورشید) دارای سیصد و شصت مشرق و سیصد و شصت مغرب است و روزی که در آن جا طلوع می‌کند به آن نقطه باز نخواهد گشت، مگر در سال آینده، و روزی که در آن جا غروب می‌کند به آن نقطه باز نخواهد گشت، مگر سال آینده.

متن: زندیقی از امام صادق علیه السلام پرسید: خورشید در کجا غروب می‌کند؟ امام علیه السلام پاسخ داد: وقتی خورشید غروب می‌کند و از گنبد آسمان به زیر می‌آید، فلک آن را همچنان بالا می‌برد تا به جایگاه طلوعش برساند.

یعنی خورشید در چشمه گل آلودی غروب می‌کند سپس زمین را می‌شکافد و به مطلع خود باز می‌گردد. پس در زیر عرش سجده می‌کند تا اذن طلوع بگیرد و هر روز نورش با نور جدیدی جایگزین می‌شود📜

📜متن: یک یهودی از امیرالمؤمنین علیه السّلام در ضمن مسائلی پرسید: به من بگو قرارگاه زمین چیست؟ فرمود: جز شانه فرشته نیست و دو گام آن فرشته بر صخره است و صخره بر شاخ گاو، پاهای گاو بر پشت ماهی در دریای فروتر، دریا بر تاریکی است و تاریکی بر عقیم و عقیم بر ثری و جز خدا عزّ و جلّ کسی نمی داند زیر ثری چیست.📜

📜متن: از ابن جریج به من رسیده است که پهنای هر آسمانی پانصد سال راه است و میان هر دو زمینی پانصد سال. و به من خبر رسید که باد میان زمین دوم و سوم است، زمین هفتم بالای ثری است که نامش تخوم است و ارواح کفار در آنند و چون روز قیامت می‌شود، آن‌ها را به برهوت می‌افکند و ثری بالای آن سنگ است و صخره بر نرّه گاوی است که دو شاخ و سه پا دارد و روز قیامت همه آب زمین را می‌بلعد. نرّه گاو بر ماهی گرد سرش چرخیده، زیر هفتم زمین و دو سویش زیر عرش بسته است و گفته اند فروتر زمین بر میان دو شاخ گاو تکیه دارد و گفته اند بلکه بر پشتش و نامش یهموت است. و در روایت دیگری آمده است که عبدالله بن سلام از پیغمبر صلی اللّه علیه و آله پرسید حوت بر چه چیزی قرار دارد؟

فرمود: بر آبی سیاه و ماهی در آن چون یک ماهی شما در این دریاها است و بازگو شدم که شیطان خود را به ماهی رساند و او را بزرگ می‌کند و به او می‌گوید، که آفریده ای عزیزتر و قوی تر از تو نیست و ماهی آن را به خود می‌گیرد و می‌جنبد و زمین می‌لرزد و خدا ماهی خردی می‌فرستد و در گوش او جا می‌دهد و چون می‌خواهد می‌جنبد، آن ماهی در گوشش می‌جنبد و او آرام می‌گیرد.📜

📜متن: شخص کافری از امام صادق علیه السّلام پرسید: آیا روز پیش از شب است؟ ایشان فرمود: آری، روز پیش از شب آفریده شده و خورشید پیش از ماه و زمین پیش از آسمان خلق شده است. زمین بر ماهی است، ماهی در آب، آب در صخره ای تهی، صخره بر شانه فرشته، فرشته بر ثری، ثری بر باد، باد بر هوا که قدرتش نگهدار است و زیر باد عقیم جز هوا نباشد و ظلمات پس از آن می‌باشد، نه تنگی است، نه گشادی و نه چیزی که داخل هم شود. سپس کرسی را آفرید و آسمان هاو زمین را در درونش جا داد، کرسی از هر چه آفریده بزرگ تر بود، سپس عرش را بزرگ تر از کرسی آفرید.📜

📜متن: از حنان روایت شده که گفت: به امام صادق علیه السلام گفتم: علت این که امیرالمؤمنین علیه السلام نماز عصر را ترک کرد و به تأخیر انداخت چه بود در حالی که او دوست داشت نماز ظهر و عصر را باهم بخواند؟ گفت: وقتی او نماز ظهر را خواند رو به سوی جمجمه ای که افتاده بود کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام با آن سخن گفت: ای جمجمه تو اهل کجا هستی؟ گفت: من فلان بن فلان، پادشاه سرزمین آل فلان هستم. امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: داستانت را برای من تعریف کن چه بودی و دورانت چگونه بود؟

جمجمه شروع کرد به تعریف کردن داستانش و خیر و شری که در دوران او بود، به آن سرگرم شد تا این که خورشید غروب کرد. با آن به سه حرف از انجیل سخن گفت تا عرب‌ها سخن او را نفهمند. گفت: اکنون که رفته‌ام باز نمی گردم. به سوی خدای عزّوجلّ دعا کرد و خدا هفتاد هزار فرشته با هفتاد هزار زنجیر آهنی فرستاد که آن را در گردنش انداختند و بر روی صورتش کشیدند تا این که بازگشت در حالت سفید و پاکیزه و امیرالمؤمنین علیه السلام نماز خواند. سپس مانند ستاره ای غروب کرد و این سبب تأخیر نماز عصر بود.

متن: جابر، از امام باقر علیه السلام روایت کرده و گفته است: به آن حضرت عرض کردم: قربانت گردم! درباره قول آن عالِم: «أَنَا آتِیکَ بِهِ قَبْلَ أَن یَرْتَدَّ إِلَیْکَ طَرْفُکَ» برای من توضیح دهید که چیست؟ فرمود: ای جابر! خداوند اسم اعظم خویش را بر هفتاد و سه حرف قرار داد. آن عالِم فقط یکی از آن حروف را می‌دانست و با آن زمین میان قصر سلیمان و تخت بلقیس را شکافت و پس از آوردن تخت، زمین به حال اول خود برگشت و با این یک حرف چنین کاری کرد، و این در حالی است که هفتاد و دو حرف از اسم اعظم خدا نزد ماست و علم به یک حرف دیگر نزد خداوند است که آن را در عالم غیب حفظ کرده است.

📜متن: مردی به امام صادق علیه السّلام گفت: قربانت شوم! مردم می‌پندارند عمر دنیا هفت هزار سال است! فرمود: اینچنین نیست که می‌گویند. خدای آن را آفرید و پنجاه هزار سال به صورت بیابانی تهی رها کرد و ده هزار سال ویران، سپس بداء حاصل شدو در آن خلقی آفرید، نه ازجن و نه از فرشته و نه انس و برای آن‌ها ده هزار سال تعیین کرد و چون موعدشان رسید، در آن فساد و تباهی کردند و خدا آن‌ها را از بن برکند و تا ده هزار سال آن را به صورت بیابانی تهی و ویران وانهاد. سپس جنیان را در آن آفرید تا ده هزار سال و چون موعدشان نزدیک شد در آن تباهی کردند و خون ریختند و این است معنی این قول فرشته‌ها که «أتجعلُ فیها من یُفسِد فیها و یَسفکُ الدِّماء»، {آیا در آن کسی را می‌نهی که تباهی کند و خون‌ها بریزد؟} چنانچه فرزندان جان (جنّ بزرگ) ریختند؛ پس خدا آن‌ها را نابود کرد و آدم را آفرید، و برایش ده هزار سال مقرر داشت و البته هفت هزار و دویست سال آن گذشته و شما در آخر الزمان هستید.📜

📜متن: مفضّل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در ضمن توصیف ذات باری تعالی فرمودند: اینچنین است که همیشه بود و همیشه هست تا نهایت نهایت، و نیز بود آنگاه که زمینی نبود و نه آسمانی، نه شبی و نه روزی، نه خورشیدی و نه ماهی، نه اخترانی و نه ابری و نه بارانی و نه بادی. سپس خدای تبارک و تعالی دوست داشت خلقی بیافریند که عظمتش را بزرگ شمرند، و کبریائیش را با تکبیر بستایند، و والائی او را والا بشمارند. پس فرمود: باشید دو سایه، پس شدند.

عرش او بر آب بود آنگاه که نه زمین گسترانیده شده بود، و نه آسمان ساخته شده، نه آوازی شنیده می‌شد، نه چشمه ای می‌جوشید، و نه فرشته مقربی بود، نه پیغمبر مرسلی، و نه ستاره ای در حرکت بود، و نه ماهی در گردش، و نه خورشیدی در تابش. عرش او بر آب بود، و برای هیچ آفریده ای نگران نبود. خود را چنانچه می‌خواست بزرگ می‌داشت و تقدیس می‌نمود، سپس به آفریدن مخلوقات آغاز کرد. موج دریاها را برانگیخت و از آن‌ها دودی چون بزرگترین آفریده خدا برخاست، و آسمانی بسته از آن ساخت، و سپس زمین را از زیر محل کعبه کشید و پهن کرد، و آن وسط و میانه زمین است و با دریاها پیوست، سپس آن را از بنیان گشود و هفت طبقه اش نمود، بعد از آنکه یکی بود. سپس به آسمان توجه کرد که دودی بود و بخاری برخاسته از آبی که در آن دریاها بود، و آن را با کلمه ای که جز خودش نمی داند هفت طبقه ساخت، و در هر آسمانی فرشته‌هایی را جای داد وآنان را معصوم از گناه آفرید، از نوری برگرفته از دریاهای خوش گوار، و آن دریای رحمت است، و خوراکشان را تسبیح تهلیل و تقدیس قرار داد. و چون کارش گذشت و آفرینشش پایان یافت بر ملک خود استوار شد، و ستایش شد چنان که شایسته آن بود؛ سپس ملک خود را اندازه کرد، و در هر آسمانی اختران فروزانی آویخت مانند قندیل‌ها و چراغ‌هایی که در مساجد می‌آویزند، که کسی نمی تواند آن‌ها را حساب کند جز خدای تبارک و تعالی. یک اختر آسمانی مانند یک شهر بزرگ در زمین است.

سپس خورشید و ماه را آفرید و هر دو را تابنده ساخت، و اگر خدای تعالی آن دو را وانهاده بود، همانطور که نخستین بار آفریده بود، شب از روزشناخته نمی شد، و ماه و سال و زمستان و تابستان و بهار و پائیز از هم شناخته نمی شدند و دین داران وقت وظائف و فرائض دینی خود را نمی دانستند، و کارگر نمی دانست کی به دنبال امور معاش خود برود و کی آسایش کند، و خدا به خاطر رأفتی که به بنده‌های خود داشت، به آن‌ها نظر کرد، و جبرئیل را فرستاد تا با پر خود یکی از دو خورشید را مسح کند، و پرتو و شعاع آن را برد و روشنی آن را به جا گذاشت، و این است فرموده خدا که «وجَعَلنا الّلیلَ و النّهارَ آیَتَین فَمَحونا آیهً الّلیل فجعلنا آیهُ النّهار مُبصِرهً لتبتغوا فضلاً من ربّکم و لتعلمو عدد السنین و الحساب و کلّ شیءٍ فصّلناه تفصیلا»، {و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. نشانه شب را تیره گون و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم تا [در آن] فضلی از پروردگارتان بجویید و تا شماره سال‌ها و حساب [عمرها و رویدادها] را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم.} و آن‌ها را نهادیم تا در فلک روان باشند و فلک میان آسمان و زمین فراز و بلند است. در آسمان، فرازی و بلندی اش تا سه فرسخ است در فرو گرفتن خورشید و ماهِ روان. و هر کدام در شتابند و سیصد فرشته آن‌ها را می‌کشاند، در دست هر فرشته حلقه ای است که آن‌ها را در اعماق این دریا روانه می‌کنند و هر کدام سر و صدایی در تهلیل و تسبیح و تقدیس دارند.

اگر یکی از آن‌ها از اعماق آن دریا ظاهر شود و بیرون آید، هر چه بر روی زمین است می‌سوزد حتی کوه‌ها و سنگ‌ها و هر چه خدا آفریده، و چون خدا آسمان‌ها و زمین و شب و روز و اختران و فلک را آفرید و زمین را بر پشت ماهی نهاد، بر او سنگینی کرد و لرزید و به وسیله کوه‌ها آن را محکم و استوار کرد، و چون آفرینش آنچه در آسمان‌ها بود کامل شدو زمین در آن روز تهی بود و در آن کسی نبود، خدا به فرشته‌ها فرمود: «إنّی جاعلٌ فی الإرض خلیفهً قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبّح بحمدک و نقدّس لک قال إنّی أعلم ما لاتعلمون»، {من در زمین جانشینی خواهم گماشت. [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم! فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی دانید.} پس خدا جبرئیل را فرستاد و از روی زمین مشتی (خاک) برگرفت و آن را با آب شیرین و تلخ خمیر کرد. و طبع‌ها را در آن در آمیخت، پیش از آنکه جان در آن بدمد و او را از روی گندمگون زمین آفرید و برای همین او را آدم نامید. چون او را با آب خمیر کرد گل آلود شد و آن را چون کوهی بزرگ به دامنه کوه افکند، ابلیس در آن روز بر آسمان پنجم بود، از سوراخ بینی آدم درون می‌شد و از دبر او در می‌آمد، سپس دست بر شکمش می‌زد و می‌گفت: تو برای چه آفریده شدی؟ اگر برتر و بالا دست من شوی از تو فرمان نمی برم و اگر زیردستم شوی یاریت نمی کنم. از روزی که آفریده شد تا جان در او دمیده شد، هزار سال در بهشت ماند.

او را از آب و گل، نور و ظلمت و بادو پرتوی از خدا آفرید، اما بر اثر نور ایمان می‌آورد و بر اثر ظلمت به کفر می‌گراید و گمراهی. سرشت خاکی اش در مواجهه با آب او را دچار لرزش و ناتوانی و زبری پوست تن می‌نماید، و او را به چهار طبع وصف کنند، طبع خون و بلغم، و صفراء و باد، و این است قول خدا تبارک و تعالی که «أولا يذكر الإنسان أنّا خلقناه من قبل و لم يكن شيئا»، {آیا انسان به یاد نمی آورد که ما او را قبلا آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است؟}📜



📝نکات‌علمی: در مورد مغرب الشمس و مطلع الشمس پیشتر سخن گفتیم که در زمین کروی اساساً شرقی‌ترین و غربی‌ترین نقطه وجود خارجی ندارد و این مسئله اعتباری می‌باشد. بنابراین شرقی‌ترین و غربی‌ترین نقطه عالم بر اساس هیئت جدید و قدیم (بطلمیوسی) وجود ندارد. حتی در نظریه زمین تخت نیز که امروزه عده‌ای در قرن 21 آن را دنبال می‌نمایند هر چند که شرقی‌ترین و غربی‌ترین نقطه وجود دارد. اما خورشید در این نظریه در مداری دایره‌ای شکل بر بالای زمین در حرکت است و طبیعتا این مسئله ارتباطی با مطلع الشمس و مغرب الشمس و کشیده شدن خورشید توسط فرشتگان در دریای تاریک ندارد!

ماجرا متفاوت از این مسائل است و در هر سه نظریه قابلیت گنجایش دارد.

پیشتر بر اساس اسناد تاریخی گفته شد که در نزد مردمان دنیای باستان و منطقه میان رودان دریای سیاه و مدیترانه در شمال دریای غروب خورشید؛ و خلیج فارس و دریای عمان دریای طلوع خورشید بوده است.

برای فهم این نکته که فرشتگان خورشید را به درون دریا می‌کشند. ابتدا باید از خود بپرسیم که آیا این فرشتگان مادی و دارای بدن عنصری هستند یا خیر؟

پاسخ روشن است خیر مادی نیستند.

پس فرشتگانی که ذوالقرنین دیده است علی القاعده باید دارای بدن مثالی بوده باشند.

این فرشتگان دارای بدن مثالی در عالم اثیری که بر اساس نظر حکمای قدیم هستی افلاک را تشکیل می‌دهند قرار دارند. دانش فیظیک جدید، علی الخصوص فیزیک انیشتینی وجود اثیر را نمی‌پذیرد. اما آن‌چه مسلم است این است که بدون قائل بودن به وجود عالم اثیر و عالم مثال بسیاری از حقایق دینی و ماورائی قابل توجیه و تفسیر نیست و فناوری‌های امروز بشری توان اثبات وجود عالم اثیر و عالم مثال را ندارند.

اما حال به سراغ ماجرای غروب خورشید برویم. در نظام افلاک بطلمیوسی که تا ابتدای قرن بیستم در جهان اسلام غلبه داشته است. زمین کروی و ثابت است و خورشید در فلک چهارم در حال گردش است. و این فلک اثیری است. طبیعی است که خورشید در چنین نظامی در جایی غروب نمی‌نماید. اما چون به کنار دریا می‌رویم هنگام غروب به عنوان ناظر زمینی می‌بینیم که قرص خورشید علی الظاهر در دریا غروب می‌نماید. و همانگونه که در حدیث ملاحظه نمودید فرشتگانی این قرص را با زنجیر به درون آب می‌کشند! این‌جا سوالی پیش می‌آید. آیا قرص خورشید که ما آن را در آسمان می‌بینیم با خود خورشید یکی است؟

آیا ممکن است قرص خورشید انعکاسی از خورشید حقیقی باشد که از مجرای عالم اثیری رد شده است (در واقع از فیلترینگ عالم اثیری رد شده است) و ما آن را می‌بینیم. عالم اثیر را که هستی افلاک را تشکیل می‌دهد دارای آینه‌های متعدد فرض نمایید که در هر نقطه از زمین مادی ما تصویر خورشید و حتی کواکب را در شب منعکس می‌نماید.

فرقی نمی‌کند شما به چه نوع کیهان شناسی قائل باشید در کیهان شناسی مدرن نیز با فرض پذیرفتن عالم اثیری می‌توان قائل به این مسئله شد که قرص خورشید در عین آن‌که انطباق کامل با حقیقت خورشید دارد اما از مجلای عالم اثیر می‌گذرد و عین خورشید نیست.

در چنین جهان بینی‌ای هر چند که یک نظریه ذوقی باشد می‌توان حقایق دینی و حتی وجود اسطوره را تعریف نمود. در چنین نگرشی بدون آن‌که تغییری در گردش زمین به دور خورشید در فلکیات جدید و یا گردش خورشید بر بالای زمین بر اساس فلکیات قدیم پیش بیاید. قرص خورشید می‌تواند در سرزمینی به مانند مصر در دوران حضرت موسی کلیم اللّه سه روز طلوع ننماید در حالی که در سایر نقاط جهان روز و شب روال عادی خویش را داشته باشد. و تغییری در گردش افلاک نیز ایجاد نشود. در چنین شرایطی می‌تواند برای حضرت سلیمان نبی حشمت اللّه و از آن مهمتر برای حضرت اسداللّٰه الغالب امام العوالم امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام به دعای رسول اللّه صلوات اللّٰه علیه رد الشمس رخ دهد بی‌آن‌که در نظام افلاک تغییر و خللی ایجاد شود.

باید دقت داشت که در این نظریه این قابلیت برای حق تبارک تعالی وجود دارد که بدون تصرف در گردش افلاک روز و شب و طلوع نمودن خورشید یا طلوع ننمودنش را در هر نقطه از زمین مادی ما کنترل نماید. در واقع آن‌چه که فقیر بدان قائل هستم اندکی با نظر پیشینیان تفاوت دارد.

در نظام فلکیات قدیم قائل به وجود زمین کره و سپس آب کره و سپس هوا کره و سپس کره نار یا آتش بودند.

و سپس بالای این کره در نظر پیشینیان فلک قمر قرار داشت و بالای فلک قمر فلک عطارد قرار داشت و این نظام فلکی تا فلک ثوابت (فلک هشتم) و سپس فلک الافلاک (فلک نهم) ادامه می‌یافت. از فلک قمر به بالا در نظر قدما از اثیر تشکیل شده است. اثیر در نظر ارسطو رئیس مشائیون عنصر پنجم است که کون و فساد در آن راه ندارد. در نظر ارسطو جنس خلقت ایزدان از همین اثیر است. به گزیده‌ای از جملات ارسطو که در کتاب «در آسمان» آورده است توجه فرمایید:

{... و اگر این جسم نمی‌تواند نه قبول نموّ کند و نه قبول ذبول، همین استدلال به ما امکان می‌دهد که تصوّر کنیم که این جسم قبول استحاله نیز نمی‌کند. زیرا استحاله حرکت در مقولۀ کیفیّت است، و در مقولۀ کیفیّت، حالات دائم و حالات موقّت بدون تغییراتی در خصوصیّات حادث نمی‌شود، مانند تندرستی و بیماری. و امّا، ما می‌بینیم که همۀ اجسام طبیعی، که بر حسب خصوصیّاتشان تغییر می‌کنند، مثلاً اجسام جانوران و اجزاء آن‌ها و نیز اجسام گیاهان و هم‌چنین اجسام عناصر، در معرض نموّ و ذبول‌اند. بنابراین، اگر راست است که جسم متحرّک به حرکت مستدیر قابل نموّ و ذبول نیست، پس منطقی است که قابل استحاله نیز نباشد.

بنابراین، این که جسم نخستین ابدی است، و نموّ و ذبول ندارد، بلکه پیری ناپذیر، استحاله ناپذیر است، چیزی است که به روشنی از آن‌چه ما گفتیم بر می‌آید، اگر بتوان به [درستی] اصولی که ما پیش نهاد کردیم اعتماد کرد. به نظر می‌آید که نظریّۀ ما مؤیّد واقعیّات است و واقعیّات مؤیّد نظریّۀ ما.

زیرا همهٔ انسان‌ها تصوّری از خدایان دارند، و همهٔ کسانی که به وجود خدایان اعتقاد دارند، اعمّ از یونانی و غیر یونانی، در تخصیص بالاترین جای به خدایان متّفق‌اند، بی‌گمان به سبب آن‌که فناناپذیر را مرتبط با فناناپذیر تصوّر می‌کنند و هر فرض دیگری را غیر قابل قبول می‌دانند. بنابراین، اگر موجودی الهی هست، چنانکه بی‌گمان هست، آن‌چه ما دربارهٔ نخستین جوهر جسمانی گفتیم کاملاً درست است. این چیزی است که به قدر کافی از مشاهدهٔ حسّی بر می‌آید، لااقلّ تا آن‌جا که بتوان به شهادت صرفاً انسانی اعتماد کرد.

در حقیقت، از دیرباز، به گواهی روایاتی که از عصری به عصر دیگر منتقل شده است، هرگز هیچ تغییری، نه در مجموع دورترین فلک، و نه در هیچ یک از اجزاء آن، روی نداده است. حتّی به نظر می‌آید که نام آن از [زمان] قدیم‌ترین نیاکان ما تا زمان کنونی بر جای مانده است، زیرا پیشینیان ما نیز دربارهٔ آن همان عقیده‌ای که ما داریم داشته‌اند، چه، نه یک بار و دوبار، بلکه تصوّر می‌کنیم که، بارهای بیشمار عقاید یکسانی بیان شده و سرانجام به ما رسیده است. به همین سبب است که پیشینیان، چون می‌اندیشیدند که نخستین جسم چیزی متفاوت با خاک و آتش و هوا و آب است، بالاترین مکان را «اتر» («اثیر») نامیده‌اند، زیرا [این بالاترین مکان] تا ابد پیوسته در حرکت است. ولی آناکساگوراس «اثیر» را به معنایی خلاف معنی حقیقی آن به کار برده و آن را معادل آتش گرفته است.} (کتاب در آسمان ارسطو صفحات 13 الی 15)

ارسطو در کتاب «در آسمان» خویش با توجه به مقدماتی سعی در اثبات وجود طبیعت اثیر به عنوان طبیعت پنجم می‌نماید. وی با توجه به اقسام حرکت می‌گوید چون حرکت مستقیم در فلک وجود ندارد، بلکه مبدأ میل مستدیر در آن است. و این هر دو مبدأ در فلک نمی‌شود در فلک باشد. چون طبیعت فلک واحد و بسیط است و مرکب از طبایع مختلف نیست. بنابراین دو امر متضاد نمی‌تواند در آن باشد. بنابراین طبیعت فلک، حار (گرمی) و بارد (سردی) و رطب (تری) و یابس (خشکی) ندارد و خفیف و ثقیل نیز نمی‌باشد. پس از طبیعت کون و فساد ناپذیر پنجمی تشکیل می‌شود که در نظر ارسطو آن‌گونه که نقل شد اثیر نام دارد. ارسطو قول آناکساگوراس را که اثیر را به عنوان آتش می‌گیرد اشتباه می‌داند. در کتب حکمت اسلامی نیز ما این مشکل را می‌بینیم که گاه از کُرهٔ نار به کُره اثیر تعبیر می‌شود و گاه از اثیر به عنوان طبیعت پنجم یاد می‌شود که مقابل طبیعت عنصری است.

خواننده گرامی همانگونه که ملاحظه می‌نمایید اتر در زبان‌های هندواروپایی معنی آتش را می‌دهد. بنابراین از این جنبه به نظر سخن آناکساگوراس درست است که آن را به معنی آتش می‌دانست. اما اگر ارسطو برای آن معنایی غیر از آتش متصور است و آن را طبیعت پنجم می‌داند شاید ریشه در اسطوره‌های یونانی و ایزد آئتر دارد. زیرا ارسطو اعتقاد بر این دارد که از فلک قمر تا فلک الافلاک از اثیر یا طبیعت پنجم پوشیده شده است و ایزد آئتر نیز ایزد تجسم آسمان فوقانی است. یا به نوعی صورت مثالی آسمان فوقانی است که به صورت یک ایزد متجلی می‌شود. بنابراین ارسطو اتر یا اثیر را غیر از کرهٔ نار در نظر می‌گیرد زیرا آسمان فوقانی در نظر وی از فلک قمر شروع می‌شود.

در واقع ارسطو و آناکساگوراس کلمهٔ اتر را برای دو حقیقت متفاوت بکار می‌گیرند. همین مشکل را ما در فلسفه اسلامی نیز داشته ایم زیرا همانگونه که گفته شد گاه اتر یا اثیر را به عنوان کره آتش در نظر گرفته می‌شده است و گاه به عنوان طبیعت پنجم.

اما نویسندگان رسائل انجمن سرّی اخوان الصفا بر خلاف ارسطو و مشائیان که عالم را به دو عالم فلک تحت فلک قمر و فوق فلک قمر تقسیم می‌نمودند عالم را کلی به هم پیوسته می‌دانستند. و با این‌که افلاک را متشکل از طبیعت پنجم (اثیر) می‌دانستند اما از نظر آنان جوهر افلاک در طبایع اربعه با عناصر سهیم است: {اخوان در این‌که طبیعت پنجم در معرض کون و فساد قرار نمی‌گیرد و کثافت و لطافت ندارد با مشائیان متفق الرأی‌اند و حتی در بعضی قسمت‌های رسائل طبیعت پنجم را نیز مانند اثیر از طبایع چهارگانه بری می‌دانند لکن اکثر اوقات بروج و سیارات را که از طبیعت پنجم ساخته شده‌اند دارای طبایع اربعه می‌دانند، مثلاً در رسائل جلد دوم، ص 26، به بعد، و ص ۳9۴2} (کتاب نظر متفکران اسلامی دربارهٔ طبیعت نوشتهٔ دکتر سید حسین نصر ص86 پانویس)

پیشتر گفتیم که اولا فقیر قائل به وجود اتر در کیهان هستم. ضمن این‌که به نظر بنده در حدود منطقه‌ای که امروزه آن را یونوسفر می‌نامند. عالمی آبگینه‌ای و منشور گونه وجود دارد که آن‌چه که ما آن را به عنوان قرص خورشید می‌بینیم از مجلای آن عالم عبور می‌نماید و در مکانی پایین‌تر از آن عالم و نزدیک به زمین مادی ما قرص خورشید شکل می‌گیرد.

در واقع فقیر بین قرص خورشید و خود خورشید تمایز قائل هستم ظاهرا بعضی از طرفداران نظریه زمین تختی معاصر ما هم به چیزی شبیه این قائل هستند. فقیر تقریبا با اطمینان می‌گویم که این قرص خورشیدی که ما می‌بینیم فاصله‌اش نزدیک‌تر از آن‌چه است که دانشمندان کیهان شناسی جدید می‌گویند و البته لزوما نافی فاصله زیاد خورشید بر طبق نظر آنان از زمین مادی ما نیست. زیرا همانگونه که گفتم ساز کار و منشور گونه‌ای وجود دارد که قرص‌های خورشید متعددی را تشکیل می‌دهد. علت رویت دو قرص خورشید در فصول گرم سال در عرض‌های غیر شمالی آن هم در وسط روز دقیقا ریشه در تداخل ساز و کار این عالم منشوری دارد📝

📂منبع: رسانه یوسف فاطمه📂

▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️

موارد پژوهشی: زمین در مرکز عالم است و در برابر گنبد آسمان نقطه کوچکی است. گنبد مستدیر آسمان با ستارگانی که بر آن چسبیده‌اند (هشت یا نه فلک وجود دارد که آخرین آن‌ها فلک الافلاک نام دارد که همه ستاره‌ها روی آن چسبیده‌اند.) در هر شبانه روز یک دور از مشرق به مغرب به دور زمین می‌چرخد. خورشید، ماه و سیارات حرکاتی مضاف بر این نیز انجام می‌دهند. آن‌چه که در این نظریه مشهود است این می‌باشد که ستارگان را چسبیده بر سقف آسمان معرفی می‌کند.

شواهد موجود برای زمین مسطح نشات گرفته از جنبه‌های متفاوتی از علم و فلسفه هست. ساده‌ترین تکیه بر احساس‌هایمان است تا با کمک آن‌ها بتوانیم ماهیت گیتی را به خوبی بشناسیم. زمین مسطح به نظر می‌رسد، خورشید را می‌توانیم هر روز درحال چرخش به دور زمین مشاهده کنیم، سیارات، ستارگان و درکل تمامی اجرام آسمان به دور ما درحال چرخش هستند و هیچ حرکتی از زمین احساس نمی‌شود. این‌ها چند مثال مختصر از حس‌های‌تان بود که به شما می‌گوید بر روی یک زمین کروی درحال چرخش به دور خورشید زندگی نمی‌کنید. به این روش رویکر تجربی (مبنی بر تجربه) نیز می‌گویند که تکیه بر اطلاعات بدست آمده از احساستان دارد.

اما زمانی که برای توصیف آن‌چه در طبیعت مشاهده می‌کنیم، از تئوری‌های به دور از عقل و دشوار و حتی غیر قابل آزمایش و تکرار استفاده کنیم، می‌توانیم به خوبی در پیرامون شواهدی برای کرویت زمین پیدا کنیم.

شاید، بهترین شواهدی که بتوان برای مسطح بودن زمین ارائه کرد، آزمایشات سطح آب است. معروف‌ترین آن آزمایش سطح بدفورد است.

در سراسر جهان، تاکنون هزاران آزمایش سطح آب (با استفاده از لیزر و حتی بدون استفاده از لیزر) انجام شده. شواهد بسیار زیادی از مسطح بودن سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها وجود دارد که توسط مجموعه وسیعی از آزمایشات جمع آوری شده است.

آیا زمین مسطح به دین و مذهب خاصی ارتباط دارد؟

زمین مسطح درحال حاضر در سطح بین المللی یک موضوع علمی محسوب می‌شود. درواقع وقتی شروع به صحبت درباره زمین مسطح می‌کنیم، نیاز به ارائه دلیل و برهان علمی داریم. اما در متون دینی و مرتبط با مذهب، می‌توانیم توصیفاتی از جهان پیرامونمان پیدا کنیم که تطابق فوق‌العاده جالبی با مدل زمین مسطح دارند و درواقع تاییدی بر این مدل هستند اما باور به زمین مسطح، دلیلی بر مذهبی بودن یک شخص یا تعصب دینی داشتن نیست چرا که در سراسر جهان، حتی افرادی که هیچ دین خاصی را قبول ندارند نیز در بین زمین تخت گرایان دیده می‌شوند.

افراد زیادی تاکنون به فضا سفر کرده‌اند. چطور است که آن‌ها به مسطح بودن زمین پی نبرده اند؟

تصاویری که توسط سازمان‌های فضایی منتشر می‌شود، بیشتر جنبه پروپاگاندرا و تبلیغات دارند. بیشتر این تصاویر حاوی پیام‌های خاص زیر آستانه‌ای هستند که پیش از آن در انیمیشن‌های دیزنی شاهد آن بودیم. حتی سازمان‌های فضایی نیز خودشان اظهار می‌کنند که بیشتر تصاویری که منتشر می‌کنند کامپوزیت و غیر واقعی هستند و تنها از داده‌های زمین شناختی و ماهواره‌ای تهیه شده‌اند.

هم‌چنین می‌توان از زمین مسطح تصاویری تهیه کرد که افق را منحنی نشان دهد چرا که محدوده‌ای که خورشید روشن می‌کند، به دایره شکل است و نیمه دیگر زمین تاریک است. اگر تصویری در ارتفاعات از نیمه روشن زمین تهیه کنید، افق را بصورت منحنی می‌بینید.

الگوهای آب و هوایی در زمین مسطح همانند مدل زمین کروی ایجاد می‌شوند. همگی ما می‌دانیم بادها چگونه ایجاد می‌شوند. چرخش خورشید نیز می‌تواند عاملی بر تغییرات آب و هوایی و چگالی جو باشد که باعث پدید آمدن سرما و گرما می‌شود.

اکثر مردم این تفکر غلط را دارند که زمین مسطح به معنی یک زمین بدون در و پیکر و صاف و صیقلی در فضای بیکران است و از لبه آن می‌توان آویزان شد و آب‌ها از لبه آن به پایین می‌ریزند!!! این یک تفکر قرون وسطایی است.

در قرون وسطی مردم از این‌که با کشتی به مسیر خود ادامه دهند می‌ترسیده‌اند تا از لبه‌های زمین به پایین سقوط کنند زیرا به تخت بودن زمین اعتقاد داشتند و البته معتقد بودند زمین دارای لبه است. اما این یک تفکر اشتباه است! تفکر زمین تخت مدرن جدا از تمامی این تفکرات قدیمی و البته غلط است. هیچ لبه‌ای وجود ندارد که از آن به پایین پرت شوید، بلکه زمین ما که به صورت یک دیسک تخت است توسط رشته کوه‌های یخی که امروزه به نام قطب جنوب شناخته می‌شود احاطه شده است

اتمسفر زمین شفاف نیست بلکه حالت مه مانند دارد. شما نمی‌توانید انتهای یک جاده مه گرفته را ببینید و این دلیل بر ناپدید شدن جاده توسط انحنای زمین نمی‌باشد.

گه‌گاهی شکست نور باعث ایجاد خطای دید می‌شود و در یک جاده به خصوص در هوای گرم می‌توانید ماشین‌هایی را مشاهده کنید که در هوا ناپدید میشوند. این نیز نمی‌تواند دلیلی بر وجود انحنا باشد بلکه بطور کاملا واضح و شفاف خطای دید ناشی از شکست نور است.

به همان علت نیز شما نمی‌توانید قله اورست را از محل زندگیتان مشاهده کنید. در شهرها آلودگی هوا وجود دارد، در اتمسفر زمین بخار آب، گرد و غبار و... وجود دارد که مسیر دید شمارا دچار خلل می‌کند. می‌توانید به ساحل بروید و با یک دوربین یا تلسکوپ به سمت افق خیره شوید. چه چیزی را مشاهده می‌کنید؟ دید شما دچار اعوجاج شدیدی می‌شود و همه چیز را تار می‌بینید. در بین شهرها و کشورها گاه دریا و اقیانوس وجود دارد و حجم بسیار زیادی از بخار آب در این بین مانع دید می‌شود. کوهستان‌ها و پستی بلندی‌ها موانع طبیعی‌ای هستند که مانع دید شما می‌شوند.

زمین یک سیاره نیست. چه عواملی باعث می‌شود که تصور کنیم زمین سیاره است؟ زمین شباهتی به سیارات ندارد. تمامی سیارات کاملا گرد و کروی هستند (به آن شکل که در آسمان به نظر می‌رسند) اما در تحقیقات جدید، اینطور ادعا شده که زمین کاملا کروی نیست (بیضی یا تقریبا بی‌شکل) و می‌توانید با یک سرچ ساده درباره آن اطلاعاتی کسب کنید. اگر زمین کاملا کروی نیست و هیچ جسم کاملا کروی‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد، پس چرا تمامی سیارات را به شکل کروی می‌بینیم؟ زمین ویژگی‌های یک سیاره را ندارد. آیا میزان گرانش برای تمامی سیارات و اجرام آسمانی در زمان تشکیل و شکل گیری به یک اندازه بوده که همگی آنان شکل و فرم کروی کامل و زیبایی گرفته اند؟

طبیعت میل به کروی ساختن اجرام آسمانی دارد. به عنوان مثال به غیر از سیارات، ماه، خورشید، ستارگان کروی شکل هستند. اما مشکل این است که شکل صحیح ستارگان قابل تشخیص نیست. ما تنها نقاط نور درخشانی را در آسمان مشاهده می‌کنیم و شکل درستی از آنان در دسترس نیست. منکر کرویت ستارگان نیستم اما نمی‌توان این را با اطمینان تایید کرد و نتیجه گرفت چون ستارگان کروی هستند، زمین نیز کروی است.

درباره ماه، شاید تعجب کنید اما هیچ شواهدی از کرویت ماه وجود ندارد. ماه بیشتر شبیه به یک جسم دیسک مانند و تقریبا محدب است. ما نمی‌توانیم سمت دیگری از ماه را مشاهده کنیم (برای خورشید نیز به همین صورت است) و به همین علت تئوری‌هایی ایجاد شده که می‌گوید ماه نمی‌تواند کروی باشد. آزمایشاتی نیز در رابطه با شبیه سازی ماه گرفتگی انجام شده که در آن شکل دیسک مانند ماه تطابق کاملی با آن‌چه در طبیعت مشاهده میکنیم داشته و آزمایش برای شکل کروی دارای اشکال و ایراد بوده بطوری که سایه ایجاد شده بر روی ماه (فرض سایه زمین) توسط سطح منحنی ماه دچار خمیدگی میشده است. بهرحال این‌که بگوییم همه چیز در طبیعت کرویست کاملا اشتباه است. این به نوعی یک نوع استدلال استقرایی است. یعنی مشاهداتی که از یک محیط محدود یا اجسام مد نظرمان داریم، به کل یک مجموعه و سیستم تعمیم دهیم. به عنوان مثال کودکی را تصور کنید که در یک کشتی به دنیا آمده و چشم گشوده است و هرچه دیده سطح وسیعی از آب بوده است و با خشکی مواجه نشده است. این کودک تصور می‌کند تمام جهان با آب پر شده است و تنها این کشتی است که بر روی این آب‌ها حرکت می‌کند و مکان دیگری برای زندگی وجود ندارد.

چنین استدلالی کاملا غلط است. این استدلال مشابه همان مشاهده سیارات و نتیجه گیری درباره زمین است.

به عنوان مثال زمانی که شما در نیمه شمالی آمریکا هستید، تصویر متفاوتی از آسمان نسبت به نیمه جنوبی آمریکا می‌بینید و زمانی که به نیمه جنوبی آمریکا سفر کردید، متوجه تغییر آسمان خواهید شد.

این کاملا درست است اما آیا همانطور که مدعیان کرویت زمین میگویند، علت آن انحنا زمین می‌باشد؟ خیر قطعا اینطور نیست. در اولین مواجه با زمین مسطح، مردم تصور می‌کنند که این مدل قادر به توضیح طلوع و غروب خورشید و ماه و ستارگان نمی‌باشد اما این نتیجه گیری حاصل در نظر نگرفتن مهم‌ترین پارامتر موجود در طبیعت، اتمسفر زمین است. همانطور که قبل‌تر با خواص اتمسر زمین آشنا شده‌اید، اتمسفر زمین شفاف نمی‌باشد و برای ناظران محدودیت دید ایجاد می‌کند. این محدودیت دید تنها به پوشاندن و مه آلود کردن افق محدود نمی‌شود بلکه به علت چگالی‌های مختلفی که هرکدام از لایه‌های اتمسفر زمین دارند (از غلیظ و متراکم‌ترین تا رقیق‌ترین)، نور دچار چندین شکست مختلف در مسیر خود به سوی چشمان ناظر می‌شود.

همانطور که می‌دانید، برای دیده شدن یک جسم، لازم است که نور از سوی آن جسم به چشمانمان برسد تا برایمان قابل رویت باشد. بنابراین زمانی که نور از چندین محیط با چندین چگالی مختلف وارد متراکم‌ترین محیط (لایه موجود در سطح زمین) می‌شود تا به چشمانمان برسد، دچار نوعی خمش و شکست می‌شود و این اتفاق برای اجرام نجومی‌ای که در افق قرار دارند رخ میدهد

چرا که نور این اجرام از سوی افق به سوی چشمان ما، مسیر بیشتری را باید به نسبت زمانی که درست در بالای سرمان قرار دارد، طی کند. تصویر ساده زیر برای درک بهتر است:

تصویر بالا ناظری را ایستاده بر روی زمین نشان میدهد. ستاره A درست بر فراز سر ناظر قرار دارد و همانطور که می‌بینید مسیری که نور از ستاره A به سمت ناظر طی می‌کند بسیار کوتاه‌تر از مسیری است که نور از ستاره B به سمت ناظر طی می‌کند و بنابراین دچار خمش و شکست بیشتری می‌شود و حتی محیط بر رنگ آن نیز تاثیر می‌گذارد و باعث می‌شود اجرام نجومی در افق به رنگ نارنجی یا قرمز رویت شوند و حتی تصویرشان نیز دچار اعوجاج شود چرا که نور مسیر بیشتری را از میان تمامی گرد و غبارها، بخارات و محیط‌های متراکم گذرانده است.

گنبد آسمان مانند یک مانع جامد عظیم است و تا حدودی شبیه یک کریستال است. ظرافت آن به طوری فوق‌العاده است که مانند یک اَبر شاره رفتار می‌کند. تمام جامدات تا حدودی مایع نیز هستند. هر دسته از فریم‌های شبکه بندی شده (مانند فوتون، نوترینو، پروتون، اتم، مولکول، ستاره، کهکشان و...) به هیچ موقعیت ثابت (مشخص شده) در ماتریس گنبد آسمان متصل نیستند بنابراین باید نسبت به گنبد آسمان به گونه‌ای چرخش و حرکت داشته باشند. به همین ترتیب، کل شبکه، که مجموعی از ستارگان و کهکشان‌هاست، می‌تواند به عنوان یک نهاد مستقل از گنبد آسمان تلقی شود که درحال چرخش است

در دنیای امروز ما برای هرچیزی باید پول پرداخت کنید.

یکی از این موارد برق است. وسایل برقی و سیستم‌های برق رسانی بر اساس انرژی و برق محدود تنظیم شده‌اند و مردم در سراسر جهان باید برای داشتن برق پول پرداخت کنند اما نیکولا تسلا سال‌ها قبل به حقیقت وجود گنبد آسمان پی برده بود و اعتقاد داشت انرژی الکتریکی در همه جا وجود دارد و هرگز تمام نمی‌شود. تسلا برج واردنکلیف را ساخت و توانست انرژی الکتریکی را بدون سیم انتقال دهد و البته انرژی الکتریکی‌ای که تسلا به آن دست پیدا کرده بود برای انسان بی‌ضرر بود و البته کاملا رایگان بود و اگر این پروژه تسلا عملی میشد دیگری دولت‌ها و سازمان‌های در پشت پرده سود نمی‌کردند برای همین موضوع پروژه انرژی رایگان تسلا کاملا باطل شد و از بین رفت تا با روی کار آمدن انرژی محدود بتوانند سود کنند.

آن‌ها از چند قرن پیش یک مسیر تکاملی از دروغ ایجاد کردند که به تدریج رشد کرد. کرویت زمین یکی از دروغ‌های گفته شده می‌باشد. پایه و اساس تمدن و علم امروزی بر دروغ است. دانشمندانی که در اختیار دولت‌ها هستند و پول میگیرند تا مطالبی را عنوان کنند و به اثبات فرضی برسانند به عنوان مثال در کتاب نیروی بی‌کران از آنتونی رابینز، او بیان می‌کند که دانشمندان علم زیست شناسی‌ای که او با آن‌ها گفتگو کرده اعلام کرده‌اند که پول گرفته‌اند تا دروغ‌هایی را به عنوان حقیقت بیان کنند.

هر مطلبی که در عنوان آن نام دانشمندی ذکر شده است را باور نکنید.

آن‌ها از کودکی به شما یاد می‌دهند یک پدیده فقط به این دلیل اتفاق می‌افتد و چون شما از کودکی با این تفکر بزرگ شده‌اید و به مدرسه و دانشگاه رفته‌اید خود به خود این دروغ برای شما تبدیل به حقیقت می‌شود و آن را باور میکنید و این کنترل ذهن است.

البته تمامی دانشمندان با یک‌دیگر در همدست نمی‌باشند و این یک تفکر اشتباه است. بیشتر دانشمندانی که امروزه تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری انجام می‌دهند، همانند همگی ما دوران مدرسه و دانشگاه را گذرانده‌اند و از قبل به کرویت زمین و چرخش آن به دور زمین باور دارند و در این مورد برایشان هیچ سوالی ایجاد نمی‌شود چرا که این موضوع را یک موضوع حل شده میدانند و علت مخالفت یا بی‌توجهی آنان نسبت به این مسائل همین است. بیشتر کشورهایی که سازمان فضایی چندان فعالی ندارند (مانند ایران) ممکن است که از حقیقت امر بی‌خبر باشند و درباره مسطح بودن زمین چیزی ندانند چرا که قوانین همان قوانین است و می‌توانند ماهواره و کاوشگر پرتاب کنند اما اطلاع یافتن از شکل زمین حتی اگر تصاویری از فضا تهیه کنند، برایشان غیر ممکن است چرا که همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم افق از ارتفاعات منحنی به نظر میرسد و البته اثبات مسطح بودن زمین نیازی به ارسال ماهواره یا کاوشگر ندارد و باید پروژه‌هایی در سطح زمین انجام شود تا بتواند پیشرفتی در این مسیر داشته باشد.

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا * ﴿61﴾
سورة الفرقان

[فرخنده و] بزرگوار است آن کسی که در آسمان برجهایی نهاد و در آن چراغ و ماهی نوربخش(منیر) قرار داد

خداوند ماه را یک بازتاب دهنده توصیف نکرده بلکه ماه منیر توصیف شده. اجسام منیر اجسامی هستند که خودشان نور تولید می‌نمایند و اجسام غیر منیر آن گروهی هستند که نور تابیده شده به خود را انعکاس می‌دهند تا به چشم ما برسد. در قرآن ماه منیر توصیف شده است.

این حقیقت که در قرآن نیز به آن اشاره شده، توسط روش‌های علمی بسیاری قابل اثبات است. ما می‌توانیم با مشاهده و آزمایش علمی پی ببریم که نور ماه بازتابی نیست و ماه نور خاص خودش را دارد. دکتر سموئل برلی روبوتهام در کتاب خود درباره نور خورشید و ماه و تفاوت این دو توضیح میدهد که به کل تئوری بازتابی بودن نور ماه را زیر سوال میبرد:

یک بازتاب دهنده نور خورشید هرگز سرما تولید نمی‌کند(زمانی که منبع گرمایی به آن می‌تابد). وقتی نور قرمز دریافت می‌شود، دوباره همان نور بازتاب می‌شود (قرمز) و تبدیل به نور سبز، آبی یا زرد نمی‌شود. اگر ماه بازتاب دهنده نور خورشید باشد، نمی‌تواند چیزی جز آن‌چه از خورشید دریافت می‌کند را به زمین منتقل کند. هیچ تفاوتی نمی‌تواند در کیفیت و سرشت(طبیعت) این نور وجود داشته باشد.

پس از آن، برای دانستن این‌که آیا ماه یک بازتاب دهنده نور است یا خیر و صرفا برای اطمینان، باید برخی پارامترهارا بررسی کنیم.

اول این‌که نور خورشید به طور کلی و معمول سوزاننده، شدید و طلایی است. اما نور ماه کم رنگ، نقره‌ای (یا سفید) و ملایم است و شدتی ندارد.

دوم این‌که نور خورشید گرم، خشک کننده، نگهدارنده یا به نوعی ضد عفونی کننده است. هرچیزی که در معرض نور آن قرار بگیرد خشک(از نظر رطوبت) و گرم می‌شود و تمایل به متلاشی شدن و تجزیه شدن و فساد را از بین می‌برد. از این رو، انگور و سایر میوه‌ها زمانی که برای مدت طولانی در معرض نور خورشید قرار می‌گیرند، خشک و سخت می‌شوند و آب خود را از دست می‌دهند. خرما، انگور، زردآلو، انجیر، سیب، هلو و حتی گلابی، جزو میوه‌هایی هستند که با خشک کردنشان با استفاده از نور خورشید، pH شان را پایین و طول مدت ماندگاری‌شان را بالا می‌برند. از همین جهت، احتمال فاسد شدن ماهی و گوشت با توجه به قرار گرفتن در نور خورشید، بسیار پایین است.

اما ماه سرما بخش، مرطوب و نمناک، نقره‌ای رنگ (نور نقره ای)، باعث فساد و سپتیک است. مواد غذایی و گیاهی‌ای که در معرض نور ماه قرار میگیرند دچار فساد می‌شوند. حتی موجودات زنده‌ای که برای مدت بسیار طولانی در معرض پرتوهای نور ماه قرار می‌گیرند، دچار علائم و احساسات ناخوشایندی می‌شوند. و البته موارد بسیار دیگر...

نور ماه و نور خورشید دو نور متفاوت با ویژگی‌های خاص خود هستند.

اما آیا ادعای روبوتهام مبنی بر تفاوت نور خورشید و ماه قابل اثبات است؟ البته که قابل اثبات است. “در لنست (ژورنال پزشکی)، برای 14 مارچ 1856، چندین آزمایش انجام می‌شود که اثبات می‌کند وقتی نور ماه با لنز یا عدسی در جایی متمرکز می‌شود، دمای محیط را بیش از 8 درجه کاهش می‌دهد و این با دماسنج قابل تست است. جالب‌تر این‌که نور خورشید وقتی در پروسه‌ای مشابه با استفاده از لنز در جایی متمرکز می‌شود، دما را افزایش میدهد اما نور ماه برعکس عمل می‌کند. ماه با نور سرد و متفاوت خود هرگز نمی‌تواند دارای نوری بازتابی باشد. بنابراین ماه نور خورشید را منعکس نمی‌کند و این نشان می‌دهد ماهیت ماه چیز دیگری است.”

در 1784 بالن هوای گرم اختراع شد و برای اولین بار در تاریخ ثبت شده، مردم قادر بودند در مایل‌ها بالاتر از سطح زمین معلق باشند. بسیاری از مردم شگفت زده بودند زیرا هرچقدر بالاتر میرفتند افق هم‌چنان بطور 460 درجه صاف به نظر میرسید.

James Glaisher در کتاب خود با عنوان سفر در هوا می‌نویسد: "وقتی از بالای اتاقک بالن به افق نگاه کردم، افق کاملا تخت و صاف به نظر می‌رسید و یک منظره فوق‌العاده وسیع در زیر قابل مشاهده بود، من کاملا حیرت زده شدم! زمین بیش از حد و کاملا صاف به نظر می‌رسید"

ویکتور امانوئل اول نیز یکی دیگر از کسانی بود که سوار بر بالن شد و نوشت: "چیزی که مشاهده کردم کاملا در تضاد با انتظارم بود، چون افق کاملا صاف بود"

اصول فیزیک در حقیقت بیشتر از آن که کروی بودن زمین را تایید کنند بر تخت بودن آن صحه می‌گذارند و چیزی که در این عرصه قابل بررسی است در واقع همان زمین تخت است؛ زیرا هیچ اثباتی برای این که نشان دهیم زمین حرکت می‌کند و دور محور خودش می‌چرخد وجود ندارد. برای مثال، وقتی با هواپیما فاصله رم تا تهران را می‌پیماییم اگر زمین دور خودش بچرخد باید در مسیری منحنی حرکت کنیم درحالی که هواپیما همیشه در خطی مستقیم حرکت می‌کند نه خطی منحنی.

امروزه با امکانات بسیار زیاد و پیشرفته به این موضوع پی می‌بریم که زمین کاملا تخت و ثابت است، درست همانگونه که تمدن‌های گذشته اعتقاد داشتند و احساس و چشمان ما به ما گفته بودند. بله افق کاملا صاف و بدون انحنا است. اصلا مهم نیست در چه ارتفاعی باشید! افق کاملا صاف است. چه کنار ساحل باشید چه بر بالای اورست یا در هواپیما و حتی اگر با بالن‌های آماتور و موشک‌ها به بالاترین نقطه برسید افق باز هم در دید 460 درجه کاملا صاف و تخت است.

در زمین کروی مهم نیست آن را چقدر بزرگ فرض کنید، وقتی ارتفاع بگیرید و ارتفاع شما از 40 کیلومتر بیشتر شود افق باید انحنا داشته باشد و وقتی حتی در سطح زمین به سمت افق نگاه می‌کنید همه چیز را بصورت شیب‌دار مشاهده کنید. همانطور که در مقالات قبلی اشاره کردیم هر آزمایشی که برای اثبات حرکت زمین انجام شد با شکست مواجه شد و تنها ثابت کرد زمین حرکتی ندارد و کاملا ثابت است هم‌چنین آزمایشاتی که برای اثبات انحنای زمین انجام شد ثابت کرد سطح زمین کاملا صاف است و انحنایی وجود ندارد. شما در یک نظام هدفمند زندگی می‌کنید یک جهان برنامه ریزی شده و هوشمند.

نه از ماهی تکامل یافتید و نه جد مشترکی با میمون‌ها داشتید، شما بر روی یک کره زندگی نمی‌کنید بلکه در مکانی خاص هستید شما آفریده‌ای خاص هستید مهم نیست چقدر حرف‌های من برای برخی خنده دار باشد مهم این است که با خندیدن و تمسخر حقیقت عوض نمی‌شود.

زمین تخت گرایان مدعی هستند زمین مانند یک حجم دیسکی شکل صاف و مدور است، قطب شمال در مرکز این دیسک قرار گرفته و قطب جنوب نیز دور محیط این دیسک دامن گسترده است. البته برخی زمین تخت گرایان ایرانی معتقدند که کوه قاف افسانه‌های ایرانی در همین قطب جنوب زمین تخت است.

ادعا می‌شود زمین تخت دیسک شکل توسط یک گنبد محافظت می‌شود. خورشید و ماه درون این گنبد قرار گرفته و در مدار مشخصی در حال چرخش هستند و در فاصله نزدیک از سطح زمین قرار دارند. کهکشان‌ها، ستارگان و سایر اجرامی قابل مشاهده در آسمان به سقف این گنبد غیرقابل نفوذ چسبیده‌اند.

زمین تخت گرایان معتقدند محو شدن کشتی‌ها در خط افق یک حقیقت عینی نیست و توضیح زمین کروی برای آن فقط و فقط «یک دروغ» است. کوه‌ها، کشتی‌ها و اشیا در فواصل دور فقط از دید چشم ما خارج می‌شوند و هیچ ارتباطی به محو شدن در زیر خط افق ندارد.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

آسمان‌ها و زمین را به حق و راستی (و برای حکمت و غرض ثابتی) ایجاد کرد، شب را بر روز و روز را بر شب بپوشاند و خورشید و ماه را مسخر کرده، هر یک (بر مدار خود) به وقت معیّن گردش می‌کنند. آگاه باشید که او خدای مقتدر مطلق و بسیار آمرزنده است.

يُكَوِّرُ: درهم می پیچد (کلمه تکویر که مصدر فعل کورت است به معناي پیچیدن چیزي، و به شکل مدور در آوردن آن است، نظیر پیچیدن عمامه بر سر) 🗒

🏛گردآوری: رسانه یوسف فاطمه🏛



▬•توضیحات: باید باور کرد و فهمید که زمین مسلما مسطح و تخت است و بزرگان سازمان‌های دجالیسم هر آن‌چه که درباره زمین تخت اعم از کتاب، مقاله، تصویر و نقشه بود با طرحی جاسوسانه و بسیار هوشمندانه به طریق‌های مختلفی با سوزاندن و بایگانی کردن در کتابخانه واتیکان از بین برند و یا نابود و پنهان ساختتند تا دورغ خود یعنی زمین کروی یا توپ مانند و دیگر سیارات منظومه شمسی را که بر دور خدای خورشید (شیطان اعظم) می‌چرخد سر لوحه‌ی کار قرار به‌دهند و تمام دانشگاه‌ها و مقاطع اولیه آموزشی را با اطلاعات دورغ و کاملا کذب پر کند و از حقیقت زیبا و بسیار دیدنی زمین تخت دور نماید. به نظر حقیر تخت بودن زمین بیشتر با خرد تعالی و نظم هدفمند کائنات سازگاری کامل دارد و تمامی وسائل هوایی به مانند هواپیما بر اساس مسطح بودن زمین یا نقشه صاف مسیرهای هوایی را می‌پیمایند و هیچ‌گاه یک وسیله هوایی توانایی آن‌را ندارد که یک سطح توپ مانند را سیر کند زیرا باعث سقوط و از کار افتادن موتورهای آن می‌شود و در نهایت سیستم آن مختل می‌گردد پس صاف بودن زمین دلیل بسیار قانع‌کننده‌ای برای آن است. تخت بودن زمین حقیقت بسیار بسیار زیبایست زیرا با مسطح بودن زمین کوه‌های قاف، عوالم و زمین‌های متصل هفتگانه، دریاها و ظلمات زمین، چشمه آب حیات، محشر و صحنه‌ی بزرگ روز قیامت، کرسی بلند مرتبه و عرش بزرگ، چشمه‌های متعدد خورشید و ماه، جهنم در سطح زیرین زمین، وجود داشتن مدار منظم و چرخنده و دارای ۱۰فلک سیارات منظومه شمسی بر سطح و گنبد آسمان دنیا، دروازه‌ها و رودخانه‌ی آسمانی، قبله و مرکز زمین کعبه و هزاران هزار حقیقت و اصول اولیه دین خدای یکتا به معنای خالصانه خود می‌رسد.

اگر بر بناها و سطح ساختاری سازه‌های اسلامی به مانند گنبد و طاق نگاهی بیاندازید متوجه خواهید شد که از زمین و ساختار اصلی آن پیروی می‌کند و دنبال‌کننده اساس آفرینش الهی‌ست. اگر زمین کروی شکل بود مرکز معنایی برای آن نداشت و قبله‌ای برای مسلمین نبود تا خدا را سجده نمایند و اساسا کعبه از کار می افتاد و در همان حال که مسلمان نیت بر عبادت بر کعبه را داشت در پشت و محور عقب آن قرار می‌گرفت که شرعا با قوانین اسلامی مخالفت دارد. کار یاران شیطان جزء دروغ گفتن نیست در قرآن کریم هم آیه‌ای در این باره هست که ما هر شیطان سرکش و طغیان‌گری را بر فرد دورغ‌گو نازل می‌کنیم. خورشید و ماه هیچ‌گاه بزرگ‌تر از زمین نبوده‌اند و به مانند چراغ برای اهل‌زمین نور افشانی می‌کنند نه آن‌که ماه نور خورشید را دریافت کند و برای اهل‌زمین بازتاب نماید بلکه از خود نور دارد. مگر ماه بی‌کار است و نعوذبالله خدای تعالی ناتوان و ضعیف است که ماه توانایی نورافشانی از خود را نداشته باشد و از خورشید نور بگیرد. از رسول خدا پرسیدند: چرا نور ماه و خورشید با هم برابر و یکسان نیست؟ فرمود: وقتی خداوند آن دو را آفرید، هر دو خدا را اطاعت کرده و در هیچ امری از فرمان خدا سرپیچی ننمودند، خداوند به جبرئیل امر کرد نور ماه را محو کند و او چنین کرد این پاک کردن و محو کردن نور ماه، لکه‌های سیاهی در روی آن بجا گذاشت، اگر ماه به همان حالت نورانی و درخشندگی باقی می‌ماند و نور آن محو نمی‌شد، شب؛ از روز باز شناخته نمی‌شد و روز از شب؛ روزه دار نمی‌فهمید چه تعداد روزه گرفته، و مردم تعداد سال‌ها و حساب را نمی‌دانستند.

اگر ماه بخواهد از خورشید نور بگیرد و آن‌را به زمین بازتاب نماید دارای ناهماهنگی و اصول بدون نظمی‌ست که حتی این وعده برای یک روز و یک شب هم ممکن نیست و امکان ندارد به وقوع بپیوندد. اندازه خورشید و ماه بسیار کوچک‌تر از آنیست که سازمان حیله‌گر و شیطان‌پرست ناسا به بیان آن پرداخته است. آنان هر دورغی گفته‌اند تا حقایق اصلی دین اسلام و روایات دینی به بی‌راهه و بدون اصل و نسب بودن یا در واقع جعلی گردیدن به‌رسد. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود: مسافت کل زمین پانصد سال راه است؛ صد سال مسافت و اندازه آبادی‌ها و شهرها و چهارصد سال مسافت و اندازه صحراها و کوه‌ها و مناطق غیر مسکونی، و اندازه خورشید شصت فرسخ (۱۸هزار کیلومتر) در ششصد فرسخ (۱۸۰هزار کیلومتر)، و اندازه ماه چهل فرسخ (۱۲هزار کیلومتر) در چهل فرسخ (۱۲هزار کیلومتر) است، درون ماه و خورشید برای اهل آسمان‌ها می‌درخشد و نور می‌دهد و برون و قشر آن‌ها برای اهل زمین نور می‌دهد، و سیارات (ستارگان مستقر در گنبد آسمان) به‌اندازه بزرگ‌ترین کوه‌های روی زمین هستند. همان‌طور که در روایات ذکر شد واقعیت و حقیقت راستین خلقت آسمان‌ها و اجرام نجومی مایل‌ها با داده‌های خنده‌داره سازمان‌های دجالیسم فاصله دارد و طوری فرض می‌شود که آنان قشنگ بر روایات ناب اسلامی ما دست گذاشته‌اند و معکوس آن اطلاعات علمی به مردم جهان منتقل کرده‌اند که با اصل و محور اصلی علوم اسلامی در تضاد کامل قرار دارد.
(علی بن مهزیار خطاب به اباصالح المهدی) عرض کردم: «آقا! چه وقت قیام می‌فرمایی؟» فرمود: «در زمانی که راه حج را به روی شما ببندند، خورشید و ماه در یک جا جمع شوند و نجوم و ستارگان در اطراف آن به گردش درآیند.»

ما با وجود ساحت مقدس قطب عالم امکان قدرت اول کائنات و آفرینش بزرگ پروردگار در مرکز هستی و جهان خلقت هستیم و تمامی اجرام نجومی به مانند ستارگان، سحابی‌ها، دریاهای کیهانی و... در آسمان دنیا مستقر و در حیطه گنبد بزرگ و عظیم زمین هستند و بر ما ملزم گردیده‌اند تا چرخش و گردش منظم و هوشمندانه‌ای داشته باشند. باید خود را از زندان فکری و گمراه کننده و بدون اصل و نسب ناسا و دیگر سازمان‌های مرتبط با آن به بیرون منتقل کرد و به آزادی تام و جاودان رساند. بگذار تکذیب‌کنندگان در این رهنمود غلت ماندگار باشند و عاقبتا با دوری از حقیقت به نقطه‌ای پوچ خواهند رسید. ما با باور داشتن به معنای حقیقی زمین تخت به مرحله‌ای از آزادی و زیبایی و به وجود خالق مدبر و یکتا پی می‌بریم و به خوبی درک می‌کنیم که جهان ما بر اساس نظم و چیدمانه آگاهانه‌ای درجه‌بندی شده و هیچ‌گاه با وهم و تخیلات شیطان‌پرستان و عضو سازمان‌های ماسونی و ایلومیناتی سازگاری نداشته و حقیقتا زمین تخت و دارای محیطی دایره‌ای شکل و در اطراف و حیطه‌ی گسترده آن دارای عوالم و جهان‌های بیگانه‌ای که وجود ما از آنان بی‌خبر است می‌باشد. زمین توپ مانند و کروی شکل و دارای جاذبه خیالی یک ایدلوژی و ساختار زشت و مسخره‌ایست که جاهلان و فریب‌خوردگان بر اعتقاد آن باقی می‌مانند و باز هم می‌گویم زمین تخت یک حقیقت بسیار بسیار خوشگل و زیبا و مطابق با فطرت انسانیست که تنها مومنان و کسانی که بر پاک نگه‌داشتن ذهن خود تاکید داشته‌اند قابل قبول است.

در کلام آخر تمامی آیات قرآن و روایات اسلامی و کتاب‌های آسمانی معترف به زمین تخت و دارای محیطی دایره‌ای شکل که کعبه در مرکز آن قرار دارد هستند و حتی یک مطلب درباره چرخش زمین بر خورشید و کروی بودن آن هرگز وجود ندارد و نخواهد داشت.🖋

نویسنده: محمدعلی شرطان



♻️اشتراک‌گذاری این‌مطلب برای تمام دوستان‌تان الزامی است♻️

🌐برای مشاهده مطالب‌بیشتر به صفحه‌رسمی @YoSoFeFATeMe به‌روید🌐

💠عالی‌ترین، محبوب‌ترین، زیباترین و خاص‌ترین مطالب علمی‌تحقیقاتی‌اسلامی را با بهترین پردازش‌ها در رسانه یوسف‌فاطمه مشاهده نمائید💠



📣 جدیدترین مطالب‌رسمی رسانه یوسف‌فاطمه را در کانال‌های فعال ما



در سایت آرشیو

Https://Archive.Org/Details/@YoSoFeFATeMe_IR

در وبلاگ فارسی

Https://YoSoFeFATeMe.PersianBlog.IR

در شبکه‌اجتماعی اینستاگرام

Https://Instagram.CoM/YoSoFeFATeMe

در پیام‌رسان تلگرام

Https://TeleGram.Me/YoSoFeFATeMe_IR

در خدمات‌فیلم آپارات

Https://Aparat.CoM/YoSoFeFATeMe

در شبکه‌پیام‌نما توئیتر

Https://Twitter.CoM/YoSoFeFATeMe

در ایمیل‌الکترونیکی یاهو

Https://YoSoFeFATeMe@YAhoo.CoM



مشاهده، دنبال کنید.📣